



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۰ صفحه ۱۲۱ تا ۱۴۶

## تأثیر عوامل کارآمد تحول اقتصادی بر شکل‌گیری چرخه مثبت قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی

یوسف شاه محمدی<sup>۱</sup>، شهرام حسن نژاد<sup>۲</sup>

### چکیده

برنامه‌ریزی‌های مرتبط با اقتصاد کلان کشورها و بودجه‌های نظامی، از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مسائل هر کشوری می‌باشد. در فرآیند تحول اقتصادی دولت‌ها و اختصاص بودجه‌های نظامی، با توجه به سطح توسعه اقتصادی و عملکرد مثبت و یا منفی زیرساخت‌های اقتصادی و سیاسی آن کشور، اختصاص هر واحد ارزی در حوزه‌های دفاعی و نظامی، از یک جهت می‌تواند به معنای عدم اختصاص آن در سایر حوزه‌های کشوری و از جهتی دیگر می‌تواند به معنای افزایش سطح امنیت ملی و در نتیجه افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی در آن کشور باشد. ارتباط میان درآمدهای اقتصادی و بودجه‌های نظامی، منجر به ایجاد نوعی چرخه در اقتصاد کلان کشور و هزینه‌های نظامی می‌شود که اگر به صورت چرخه مثبت بروز نماید، موجب توسعه توان اقتصادی در کنار توسعه قدرت نظامی می‌شود اما اگر این فرآیند در چرخه‌ای منفی گرفتار شود هرگونه مخارج نظامی و دفاعی بیش از درآمد دولت‌ها، منجر به کسری بودجه، افزایش بدهی ملی، برداشت از صندوق ذخیره ارزی، دریافت وام‌های بین‌المللی، افزایش مالیات‌ها و تورم و کاهش سطح رفاه اجتماعی و در نتیجه افزایش سطح نارضایتی در جامعه می‌شود. مقاله حاضر به لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و از حیث ماهیت یک تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد که با دیدگاهی آینده‌پژوهانه، در تلاش برای شناساندن عوامل کارآمد اقتصادی در اقتصاد توسعه‌یافته می‌باشد که در صورت برنامه‌ریزی و اختصاص صحیح و علمی بودجه‌های کلان نظامی، می‌توانند منجر به شکل‌گیری چرخه مثبت و حمایتی دوجانبه قدرت اقتصادی در کنار قدرت نظامی و دفاعی کشور شود و از شکل‌گیری چرخه منفی و مخرب در این فرآیند جلوگیری نماید.

**کلمات کلیدی:** تحول اقتصادی، چرخه مثبت، قدرت اقتصادی، اقتصاد دفاعی

۱. دکترای تخصصی، سرپرست تحقیق و تحلیل (نویسنده مسئول) Yoshkh2@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، معاون طرح و برنامه و بودجه نزا

# The Effect of the Efficient Factors of Economic Transformation on the Formation of the Positive Cycle of Economic Power and Defense Economy

*Yousef Shah Mohammadi<sup>1</sup>, Shahram Hasan Nejad<sup>2</sup>*

## Abstract

Planning related to macro-economy of countries and military budgets is of the most complicated and significant issues for every country. In the process of a countries' economic development and allocating military budgets, given the level of economic transformation and positive or negative performance of the country's economic and political infrastructures, allocating any currency unit in the defense and military domains can mean not allocating budget in the country's other domains, on the one hand, and it can also mean improving national security level and consequently augmenting economic and political security of that country, on the other hand. The relationship between economic incomes and military budgets will lead to a kind of cycle in a country's macro-economy and military expenditures which if it emerges as a positive cycle, it will cause the development of the economic power in line with the military power, but if this process gets stuck in the negative cycle, any military and defense expenditures more than country's incomes it will result in budget deficit, national debt hike, withdrawal from Currency Reserve Fund, obtaining international loans, tax increase and inflation and reduction of social welfare level and consequently, increase in discontent level of a society.

The present article is of developmental-applied kind from objective perspective and of analytical-descriptive kind, from nature perspective, which by having a futuristic perspective, it attempts to identify efficient economic factors in a developed economy which if planned and scientifically and appropriately allocated grand military budgets, it can lead to the formation of bilateral positive and supportive cycle of economic power in line with military and defense power of a country and it can also prevent the formation of negative and destructive cycle in this regard.

**Key Words:** Economic transformation, positive cycle, economic power, defense economy

1. Specialized Doctorate, Analysis Supervisor (corresponding author) [Yoshkh2@gmail.com](mailto:Yoshkh2@gmail.com)
2. Specialized Doctorate, Deputy of the Army Plans and Budget



## مقدمه

عملکرد اصلی مباحث اقتصادی به عنوان رکن اساسی حیات بشر در سطح فرد، جامعه و نظام بین‌الملل، تأمین معیشت و رفاه ملت‌ها و توسعه منافع ملی کشور در حوزه اقتصادی است، اما به علت ضرورت نیازهای معیشتی ملت‌ها و نیازهای مالی دولت‌ها جهت پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها، سوابق تاریخی نشان داده است که از حوزه اقتصاد به عنوان اهرم فشار برای اعمال اراده یا زور در مناسبات داخلی و در مناسبات بین‌المللی استفاده می‌شود. به عبارتی اقتصادی اقتصاد، کارکردی امنیتی پیدا کرده و اهرم‌های عملکردی آن از جنبه تأمین نیازهای معیشتی دولت-ملت‌ها به سمت تأمین منافع سخت دولت‌ها در توسعه اقدامات نظامی و پیگیری منافع ملی آنها از طریق توسعه قدرت نظامی آنها جهت اعمال فشار بر سایر دولت-ملت‌ها تغییر کرده است. در این راستا و در دوران معاصر، تأمین نیازهای دفاعی و امنیتی دولت-ملت‌ها و همچنین تأمین هزینه‌های مرتبط با رویکردهای تهاجمی برخی از دولت‌ها، موجب شکل‌گیری حلقه ارتباطی تنگاتنگی میان اقتصاد کلان کشورها و هزینه‌های دفاعی و امنیتی آنها شده است، به گونه‌ای که شکل‌گیری این ارتباط تنگاتنگ، در برخی از کشورها به صورت مثبت و در برخی از آنها به گونه‌ای منفی عمل نموده است.

از این‌رو میان دو مفهوم اقتصاد و هزینه‌های نظامی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. هزینه‌های نظامی در چارچوب فراگیر امنیت ملی دسته‌بندی می‌شوند، این امر به معنای افزایش گستره بودجه‌های نظامی فقط به مفهوم خاص نظامی آن نیست، بلکه حکایت از تحول ماهیتی، گستردگی، تنوع و پیچیدگی بحث بودجه‌های نظامی و ارتباط نزدیک آنها با رشد و یا کاهش رشد اقتصادی کشورها دارد. این گستردگی، تنوع و پیچیدگی در بستر تأثیر صنایع دفاعی بر صنایع غیردفاعی در قالب پیامدهایی مانند شکل‌گیری و سرریز دانش و فناوری نظامی به حوزه غیرنظامی و در قالب حمایت گسترده دولتی از صنایع غیردفاعی در مواقعی همچون تحریم، سیاست‌های بالادستی حمایت از تولید ملی، کنترل شیوع بیماری‌ها، حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و مانند آن اتفاق می‌افتد، اما علاوه بر موارد فوق، صنایع دفاعی در حوزه‌های دیگری همچون تجاری‌سازی دانش و فناوری، شرکت‌ها و صنایع دانش‌بنیان، فعالیت‌های دانشگاهی، سازمان‌های غیردولتی و دولتی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر اقتصادی نیز فعالیت نموده و درهم‌تنیدگی گسترده‌ای میان اقتصاد کلان کشور و هزینه‌های نظامی وجود دارد زیرا افزایش هزینه‌های نظامی در قالب توسعه قدرت نظامی و دفاع ملی، زمینه را برای امنیت خارجی فراهم می‌آورد و از این طریق به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند.





نکته مهم در پاسخ به این سؤال که «تأثیر عوامل کارآمد تحول اقتصادی بر شکل‌گیری چرخه مثبت قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی چیست؟»، این است که، مفاهیم مرتبط با کارآمدی تحول اقتصادی و تحول مثبت در این حوزه دارای ارتباط عمیق و تنگاتنگی با هزینه‌کردهای نظامی و اقتصاد دفاعی آن کشور می‌باشد زیرا اقتصاد دفاعی ارتباط تنگاتنگی با ارزیابی هزینه‌های دفاعی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصاد کشوری دارد، از منظری دیگر، داشتن رویکردی علمی، همپوشانه و تنگاتنگ در خصوص مقوله اقتصاد، دفاع و هزینه‌های دفاعی و نظامی از مقتضیات اساسی در توسعه همه‌جانبه کشورها است و هدف این مقاله نیز رسیدن و نیل به این مهم و شناسایی ارتباط عمیق این مفاهیم بر یکدیگر و تأثیرات گسترده مثبت و یا منفی آنها برهم می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع تحول اقتصادی و تأثیرات آن بر شکل‌گیری چرخه مثبت قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی که مبتنی بر مفهوم جامع قدرت در دو جنبه قدرت اقتصادی و قدرت دفاعی است، می‌توان پیشینه متون موجود را در این مقاله به شرح جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ ارائه و نتایج آن‌ها را بیان نمود.

جدول شماره (۱) پیشینه تحقیق مرتبط با مفهوم اقتصاد دفاع

پدیده‌آور	عنوان اثر	یافته پژوهش
(کندی، ۱۹۷۵:۱۷)	«اقتصادهای دفاعی»	کاربرد علم اقتصاد برای تحلیل مسائل دفاعی را اقتصاد دفاع گویند.
(کانتر، ۱۹۸۴: ۴۲۷ تا ۱۷۷۶ تا ۱۹۸۳)	«اقتصادهای دفاعی از سال ۱۷۷۶ تا ۱۹۸۳»	کاربرد مهارت‌های اقتصادی برای بسیاری از مسائل دفاعی را اقتصاد دفاع گویند.
(شوبیک و ورکرک، ۱۹۸۹: ۴۸۲)	«سؤالات صریح در باب اقتصادهای دفاعی و اقتصاد جنگی»	اقتصاد دفاع، از کاربرد تحلیل اقتصادی در رابطه با موضوعات دفاع ملی تشکیل شده است.



اقتصاد دفاع زمینه‌ای است که در آن، ابزارهای علم اقتصاد در قلمرو بخش دفاع به کار گرفته می‌شوند تا ضرورت‌های داخلی و بین‌المللی این بخش را تحلیل کند.	«ماهیت و ابعاد اقتصادهای دفاعی: اقتصاد سیاسی در خلع سلاح دفاعی و صلح»	(انتریلیگاتور، ۱۹۹۰: ۹)
اقتصاد دفاع ابزارهای علم اقتصاد را برای مطالعه موضوعات دفاعی و موضوعات مرتبط با دفاع شامل سیاست‌ها و صنایع دفاعی، منازعه، مسابقات تسلیحاتی، خلع سلاح، تبدیل، حفظ صلح، شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و تروریسم به کار می‌برد.	«مقدمه‌ای بر اقتصاد دفاعی: اقتصاد سیاسی در خلع سلاح دفاعی و صلح»	(هارتلی و سندلر، ۲۰۰۷: ۶۱۱)
راس در انتقاد صریح از برداشت‌هایی که اقتصاد دفاع را صرفاً یک کاربرد معمولی ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد در بررسی موضوعات دفاعی قلمداد می‌کند، به نقادی می‌پردازد و ابراز می‌کند که اقتصاد دفاع تا حدی بیش از شکلی از اقتصاد کاربردی است در حالی که با نگرش محدود، «متخصصین اقتصاد دفاع همگی در حقیقت کار خود را به سطح تکنسین بزرگ جلوه داده‌شده‌ای کاهش داده‌اند».	«اقتصاد دفاعی سیاسی؛ مسائل و چشم‌اندازها»	(راس، ۱۹۹۱: ۶)
اقتصاد دفاع به بررسی و کاربرد مفاهیم، تخصیص منابع، توزیع درآمد، رشد و ثبات اقتصادی در زمینه امور دفاعی می‌پردازد.	«رابطه بین مخارج نظامی و برخی متغیرهای اقتصادی در ایران (۱۳۷۶ تا ۱۳۵۱)»	(بیضایی، ۱۳۸۳: ۱۱)
اقتصاد دفاع، شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که با توجه به مسائلی در خصوص تجهیز و بهره‌برداری از منابع، نیروهای انسانی و تجهیزات دفاعی، در جنگ جهانی دوم توسعه یافته است و زمینه شکل‌گیری آن نیز تولید تجهیزات جنگی، مدیریت تدارکاتی و تحقیق در عملیات بود است.	«تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی ایران از سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۳»	(کاشمری، ۱۳۹۵: ۲۰)



## جدول شماره (۲) پیشینه تحقیق مرتبط با مفهوم قدرت

پدیدآور	عنوان	یافته پژوهش
جعفری‌نیا، اخباری و مرادی (۱۳۹۸)	«قدرت ملی»	قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کل کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود. قدرت ملی عبارت است از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. نه فاکتور را می‌توان برای تعیین میزان قدرت ملی کشورها بکار برد که عبارتند از: متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سرزمینی، نظامی، علمی، فرامرزی، فضایی و ملی. به این ترتیب رقم حاصل از جمع امتیاز نه فاکتور نشان دهنده میزان قدرت ملی کشور مورد نظر است. سوی اهمیت مفهوم قدرت در میان کشورها و تلاش‌های انجام گرفته برای اندازه‌گیری و سنجش این قدرت و مقایسه کشورهای مختلف، قدرت در افکار اندیشمندان و فلاسفه سیاسی نیز از قدیم مورد توجه بوده است.
فتاحی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷)	«تحلیل مفهوم قدرت و منابع آن»	قدرت دارای سه وجه سخت، نرم و هوشمند است. حرکت جریان قدرت از منابع سخت آن شامل اجبار، تهدید و استفاده از ابزارآلات نظامی به سمت اقتناع، تولید جذابیت و استفاده از ابزارهای نرم مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوبیت‌های سیاست خارجی و در نهایت استفاده از راهبردی بهینه از منابع قدرت که از آن به قدرت هوشمند تعبیر می‌شود، بوده است.
(تافلر، ۱۹۹۱)	«روابط قدرت»	قدرت در تمامی نظام‌های اجتماعی و روابط انسانی، امری ذاتی است و چیزی نیست مگر وجهی از هر رابطه یا تمامی روابط میان افراد. در نتیجه، اجتناب ناپذیر و خنثی بوده و ذاتاً نه خوب است و نه بد. او معتقد است چون روابط انسانی همواره در حال تغییرند، روابط قدرت نیز در فرایند دائمی تغییر قرار دارند



<p>مقوله قدرت بر مبنای مادی‌گرایی و معناگرایی از یکسو و ساختاری بودن و کارگزاری بودن از سوی دیگر طبقه‌بندی شده است. بدین قرار نوعی طبقه‌بندی چهار وجهی از قدرت حاصل شده است: مادی‌گرا- ساختاری، مادی‌گرا- کارگزاری و معناگرا- ساختاری و معناگرا- کارگزاری.</p>	<p>«درآمدی بر بازشناسی مفهوم قدرت»</p>	<p>ابراهیمی فر و منوری (۱۳۹۳)</p>
<p>قدرت نظامی به مجموع نیروهای مسلح، تجهیزات، فنون و آمادگی‌های نظامی یک دولت نظر دارد. قدرت نظامی بیش از آن‌که به صورت بالفعل مطرح باشد، شکل و صورت بالقوه و آمادگی و توانایی به کارگیری منابع و امکانات را مدنظر دارد. قدرت نظامی و کاربرد آن، هنگامی در سیاست خارجی به عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی مطرح می‌شود که دیپلماسی کارساز نباشد. قدرت نظامی در دنیای معاصر، عنصر اصلی بازدارندگی تلقی می‌گردد. بدین معنی که با داشتن قدرت نظامی، دشمنان تصور و اندیشه‌ی تجاوز را در سر نپرورانده و از تهاجم بازداشته می‌شوند. هر چند که قدرت‌های بزرگ از این عامل به عنوان عنصر توسعه‌طلبی و تجاوز نیز استفاده می‌کنند. قدرت نظامی از عوامل مهم قدرت ملی یک کشور است. مفهوم قدرت نظامی برای واقع‌گرایان، از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا دولت‌ها در داخل به سازماندهی قدرت و در خارج به انباشت آن می‌پردازند؛ اما در مورد معنای قدرت میان واقع‌گرایان اتفاق نظر وجود ندارد. از منظر واقع‌گرایان سنتی، قدرت در چارچوب نظامی یعنی «قدرت برابر است با زور نظامی»، تعریف می‌شود. در این چارچوب، قدرت به معنای آن است که دولت، از طریق تهدید یا استفاده از زور، به خواسته خود دست می‌یابد. یک معنای دیگر قدرت که بیشتر توسط دیدگاه‌های لیبرال در نظریه واقع‌گرایی مورد استفاده قرار گرفته، قدرت را به معنای پرستیژ یعنی توانایی کسب خواسته‌ی خود بدون تهدید یا کاربرد زور، تعریف نموده است. قدرت در دیدگاه واقع‌گرایی به جز جنبه‌ی نظامی، دارای جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک نیز است.</p>	<p>«قدرت نظامی»</p>	<p>جعفری‌نیا، اخباری و مرادی (۱۳۹۸)</p>



قدرت نظامی به‌عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی، وسیله یا ابزاری است در اختیار زمامداران و تصمیم‌گیرندگان کشورها برای پشتیبانی از سیاست‌ها و تحقق اهداف ملی. لذا کاربرد یا تعیین مأموریت نیروهای مسلح کشور به عهده تصمیم‌گیرندگان کشور است که از آن معمولاً برای مقاصد زیر استفاده می‌شود ۱- پشتیبانی از سیاست خارجی ۲- پاسداری و دفاع از ارزش‌ها یا منافع ملی در برابر تهدیدات و تجاوزات دشمنان خارجی ۳- کمک به برقراری نظم و حفظ امنیت داخلی ۴- مردم‌یاری و کمک به امر سازندگی و بازسازی کشور	«قدرت نظامی از عناصر اساسی قدرت ملی»	(چگنی، ۲۰۰۵)
پتانسیل قدرت نظامی شامل منابعی است که یک دولت-ملت می‌تواند علیه سایر دولت-ملت‌ها برای اهداف بازدارندگی نظامی، دفاع و جنگ بسیج کند.	«قدرت نظامی»	(اینسایکلوپدیا، ۲۰۲۲)

### روش‌شناسی تحقیق (تحلی‌ل لایه‌ای علت‌ها)

تحلیل لایه‌ای علت‌ها مبتنی بر تحلیل بر اساس ۴ سطح است که به کشف ریشه‌های لایه‌ای یک مسئله در لایه‌های مختلف عمودی و افقی آن مربوط می‌شود. در این روش پیشنهاد می‌شود که ریشه‌های یک مسئله به سبکی نقادانه در ۴ لایه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. این ۴ لایه شامل لایه لیتانی که همان لایه مشهود مسئله است، لایه نظام‌های علی که در آن به مجموعه نظام‌هایی بالقوه یا بالفعلی پرداخته می‌شود که می‌توانند مسبب ایجاد مسئله باشند و طیف وسیعی از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا نظام‌های قانونی، مدیریتی و ارتباطی را در باب مسئله در بر می‌گیرند، لایه گفتمان-جهان‌بینی به معنای اینکه چه گفتمان‌ها و نگرش‌هایی (جهان‌بینی) سبب بحران می‌شوند و لایه اسطوره (ایده آل‌ها و الگوها) و استعاره (تمثیل‌های ذهنی از موضوعات مختلف) می‌باشند.

این روش بر مبنای دو پیش‌فرض اساسی استوار است که عبارتند از:  
شيوه‌ی قالب‌بندی یک مسئله موجب تغییر راه‌حل‌ها و باز یگرانی می‌شود که مسئول به وجود آمدن تحول هستند.

اینکه سطوح مختلفی از حقایق و روش‌های کسب اطلاع وجود دارند.





زمانیکه می‌گویند که نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا جهت حصول چشم‌اندازها و سیاست‌های بلندمدت این کشور در بازه زمانی ۳۰ ساله، جمعی ۱۰۰۰ نفری از کارشناسان نظامی و استراتژیک تارمان نویسان علمی تخیلی، فیلم‌سازان و هنرمندان را فرامی‌خواند جای تعجبی ندارد زیرا با استفاده از بررسی بر مبنای همین لایه‌های عمودی و سطوح پنهان، درصدد تدوین بهترین و کارآمدترین استراتژی برای خود در این بازه است (عنایت‌الله، ۲۰۰۴: ۲۵-۲۲).

## یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

قدرت و بازیگری دولت‌ها (لیتانی و نظام‌های علی)

به خدمت گرفتن قدرت نظامی به منظور حفاظت از منافع ملی کشور صورت می‌گیرد و تولید قدرت نظامی از طریق به‌کارگیری مؤلفه‌های قدرت سخت<sup>۱</sup> و قدرت نرم به دست می‌آید. مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت نظامی شامل عناصری مثل روحیه، وفاداری، انضباط، فرماندهی کارآمد، آموزش و... و مؤلفه‌های سخت‌افزاری آن عناصر از قبیل تجهیزات و امکانات، فناوری، پشتیبانی، بودجه دفاعی و... است که نحوه‌ی مدرن به‌کارگیری هر یک از این مؤلفه‌ها و شکل دادن قدرت نظامی، خود مستلزم تغییر در نگرش سنتی و توجه به روش علمی و کاربردی و در واقع «مهندسی قدرت نظامی» است که سازمان نظامی را هدفمند نموده و از این طریق تغییرات بنیادی را در ساختار و تشکیلات نیروی نظامی به منظور حرفه‌ای کردن کاردها و کاهش هزینه‌های اقتصادی و درعین حال با قابلیت عملیاتی مؤثر و با هدف راهبردی کسب پیروزی قاطع فراهم می‌آورد. در واقع «مهندسی قدرت نظامی» ایجاد مکانیسم تصمیم و پیاده‌سازی یک فرآیند علمی و عقلایی تحت عنوان «نظام مدیریت راهبردی دفاعی» یا طرح‌ریزی جامع اهداف و سیاست‌های ملی در تولید قدرت نظامی را مشخص ساخته و با تدوین ضوابط و رویه‌های موردنیاز، اقدامات جاری و اجرایی، جهت‌گیری مطلوب پیدا می‌کند و از تصمیم‌گیری‌های مقطعی، انفعالی، اتلاف منابع و زمان پرهیز می‌شود و تولید قدرت نظامی را در چرخه مطلوبی قرار داده، بهره‌وری از آن را افزایش می‌دهد و درنهایت با ایجاد هماهنگی در روابط و ارتباط قدرت نظامی با سایر نظام‌های موجود در جامعه، همانند نظام اقتصادی، روابط کشوری، عوامل فرهنگی، جامعه و غیرنظامیان و تولیدات صنعتی و... شرایطی را فراهم می‌نماید که قدرت نظامی برای تحصیل اهداف خود، قابلیت ویژه‌ای را کسب نماید و کارکردهای قدرت نظامی در پشتیبانی از سیاست‌های امنیت ملی و نمادین شدن قدرت

1. Hard Power



و غیرت ملی و بازدارندگی و دفع شرّ افزایش یابد (توحیدی، صنیعی، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۴).  
 شناسایی ملاک، معیار و شاخصی کل برای تعیین عناصر جامع تشکیل دهنده قدرت یک بازیگر  
 بین‌المللی با دو موضوع مهم ارتباط دارد، نخست قابلیت تعویض عناصر تشکیل دهنده قدرت و  
 دوم اینکه آیا رابطه میان عناصر ملموس و ناملموس تشکیل دهنده قدرت افزودنی و یا تعاملی  
 هستند، بدین معنا که آیا این عناصر موجب تقویت یکدیگر می‌شوند و یا تنها در تعامل با هم از  
 کارایی لازم برخوردار هستند.

اثبات‌گرایی و فرمول‌بندی، قدرت جامع کشورها در نظام بین‌المللی:

فرمول شماره (۱)

$$power = \frac{(tpop+upop+sp+fc+md+saf)}{6}$$

سینگر و اسمال (۱۹۷۲)

tpop= total population (کل جمعیت)

upop= urban population (جمعیت شهری)

sp= steel production (تولید فولاد)

fc= fuel/coal production (تولید سوخت / ذغال سنگ)

mb=military budget (بودجه نظامی)

saf= military personnel (کارکنان نظامی)

فرمول شماره (۲)

$$power = (C + E + M) \times (S + W)$$

کلاين (۱۹۹۴)

C= critical mass (territory+ population) (سرزمین + جمعیت)

(کم‌ترین میزان برای آغاز یا انجام هر کاری (میزان سرگشتی))

E=economic strength (قدرت اقتصادی)

M= military strength ((متعارف و نامتعارف))

S= strategic purpose (اهداف استراتژیک)

W= National will (اراده ملی)



فرمول شماره (۳)

$$\text{Power} = N(L + P + I + M) \quad (۱۹۶۰) \text{ جرمن}$$

L = (territory, use of territory) (قلمرو، استفاده از قلمرو)

P = (workforce, use of workforce) (نیروی کار، استفاده از نیروی کار)

I = (resources, use of resources) (منابع، استفاده از منابع)

M = ۱۰ (military personnel) in millions (کارکنان نظامی به میلیون)

N = ۲ if nuclear armed, ۱ if not

(عدد ۲ اگر دارای سلاح هسته‌ای می‌باشد، عدد ۱ اگر دارای سلاح هسته‌ای نیست)

فرمول شماره (۴)

$$\text{power} = \frac{(EP^{1/3}) + (SP^{1/3})}{2} \quad (۱۹۶۵) \text{ فاکس و ویلهلم}$$

E: energy production (میزان تولید انرژی)

P = population (جمعیت)

S = steel production (تولید فولاد)

در ارزیابی شاخص‌های مرتبط با قدرت ملی و نظامی کشورها و در دوره اثبات‌گرایی تحقیقات علمی بسیاری انجام و نتایج متعددی ارائه گردیده است. سنجش قدرت ملی موضوعی حیاتی است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت سنجش قدرت ملی دولت‌ها این است که چنین سنجشی می‌تواند تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با مفاهیم قطب‌بندی‌های نظام بین‌المللی را ارزیابی و محاسبه دقیق‌تری را جهت شناسایی مفاهیم سیستمی مانند «قطبیت<sup>۱</sup>»، «موازنه قدرت<sup>۲</sup>» و «انتقال قدرت<sup>۳</sup>» را ارائه نماید (چین لونگ، ۱۹۹۹: ۲).  
به دلایل متعددی روند کمی‌سازی و اندازه‌گیری مفهوم قدرت برای هر یک از بازیگران بین‌المللی بسیار دشوار می‌باشد زیرا همیشه شکافی میان قدرت بالقوه و قدرت حقیقی وجود دارد. نخست اینکه، این شکاف ناشی از عوامل ناملموسی مانند اراده بازیگران، ظرفیت دولت-ملت‌ها و تسلط یا مهارت

1. polarity
2. balance of power
3. power transition



ذاتی بهره‌مندی از قابلیت‌های موجود در کشورهای مختلف می‌باشد به گونه‌ای که تعیین کمیت این عوامل دشوار است. دوم اینکه، مفهوم کمی بیشتر بودن همیشه به معنای بهتر بودن نیست، برای مثال برای کشورهای در حال توسعه یا فقیر، جمعیت زیاد معمولاً به جای مزیت، نوعی چالش و بحران محسوب می‌شود. سوم اینکه گزاره‌ی «بزرگ‌تر برابر است با قوی‌تر»، همیشه سؤالی چالش‌برانگیز می‌باشد. تناقض عدم ارزیابی صحیح و تشخیص قدرت حقیقی کشورها و موارد متعدد شکست کشورهای با عوامل برترساز در حوزه‌های مختلف قدرت از کشورهای ضعیف‌تر همیشه چالش‌برانگیز بوده و مثال‌های متعددی در طول تاریخ وجود دارد (بالدوین، ۱۹۷۹: ۱۶۱-۹۴). جفری هارت سه رویکرد اصلی را برای سنجش قدرت و تعیین جایگاه کشورها در ساختار نظام بین‌الملل مشخص می‌کند: (۱) کنترل بر منابع در اختیار، (۲) کنترل بر بازیگران بین‌المللی و (۳) کنترل بر رویدادها و نتایج حاصل از آن‌ها در مناسبات بین‌المللی (هارت، ۱۹۷۶: ۳۰۵-۲۸۹).

#### چرخه قدرت اقتصادی و هزینه‌های نظامی

ارتقاء شاخص‌های مرتبط با تولید ناخالص ملی کشورها می‌تواند حلقه اقتصادی لازم جهت ایجاد ساختارهای نظامی قدرتمند را فراهم کند. در اقتصاد دفاع این ساختارهای نظامی قدرتمند چارچوب حمایتی را برای افزایش توان اقتصادی و پیگیری منافع اقتصادی کشورها فراهم می‌کند. همانند ساختار حمایتی ارتش بریتانیا در قرن ۱۷ و ۱۸ و ارتش آمریکا در قرن نوزده و بیست. اقتصاد دفاع مدیریت بودجه دولت و مخارج آن را در دوران صلح و زمان جنگ و پیامدهای آن بر رشد اقتصادی مطالعه می‌کند. اقتصاد دفاع از ابزارهای اقتصاد کلان و خرد مانند نظریه بازی، آمار مقایسه‌ای - تطبیقی، نظریه رشد اقتصادی و اقتصادسنجی استفاده می‌کند (کندی، ۲۰۲۲).

اثبات‌گرایی مفهوم قدرت از جنبه اقتصادی:

فرمول شماره (۵)

$$power = \frac{[steel + (pop \times (pol - stab))]}{2}$$

Steel: percentage of world steel production (درصد تولید فولاد جهان)

pop= percentage of world population (درصد جمعیت جهان)

pol-stab= score for political stability (امتیاز ثبات سیاسی)



فرمول شماره (۶)

$$\text{Power} = (\text{GNP} \times \text{Tax Effort}) + (\text{Foreign Aid of Recopied})$$

(تولید ناخالص ملی) GNP

$$\text{Tax effort (تلاش مالیاتی)} = \frac{\text{real tax ratio (نسبت مالیات واقعی)}}{\text{tax capacity (ظرفیت مالیاتی)}}$$

Foreign Aid of Receipted (کمک‌های خارجی دریافتی)

فرمول شماره (۷)

$$\text{power} = \text{population} \times \frac{\text{GNP}}{\text{population}}$$

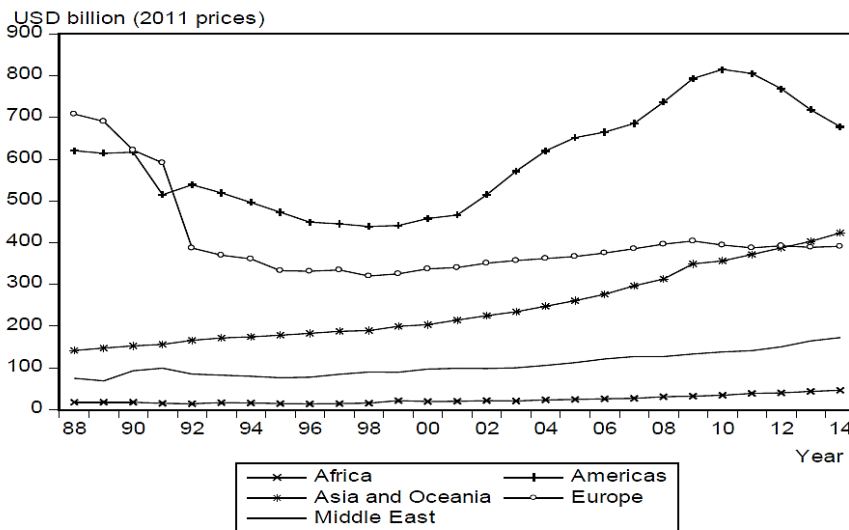
Population (جمعیت)  
GNP (تولید ناخالص ملی)

چرخه مرتبط با رشد قدرت اقتصادی و هزینه‌های نظامی کشورها می‌تواند در سه سطح کشورهای با درآمد بالا، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهایی با درآمد پایین بررسی گردد. در مطالعات علمی که بر روی ۵۶ کشور دنیا با نام «رشد اقتصادی و هزینه‌های نظامی» و در سه سطح کشورهای با درآمد بالا (۲۲ کشور)، درآمد متوسط (۳۵ کشور) و درآمد پایین (۱۹ کشور) انجام پذیرفت، این‌گونه استدلال گردید که کشورهایی که دارای تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه بیشتر و قدرتمندی می‌باشند و به عبارتی دارای اقتصاد قدرتمندی می‌باشند، افزایش هزینه‌های نظامی منجر به شکل‌گیری حلقه حمایتی اقتصاد و نیروی نظامی گردیده و افزایش هزینه‌های نظامی منجر به افزایش توان اقتصادی بیشتر کشور و در نتیجه بازیگری قدرتمندتر در عرصه نظام بین‌المللی گردیده است و این امر در کشورهای با درآمد پایین نتیجه معکوس داشته است (شهید و صبا، ۱۵: ۲۰-۴۸).

در تأیید تحقیق پیش‌گفته و بررسی‌های به‌عمل‌آمده توسط محقق و در خصوص کشورهای مختلف جهان و همچنین در بررسی مطالعات و تحقیقات علمی انجام شده در چند دهه اخیر، نشان از این دارد که روند رشد بودجه‌ها و هزینه‌کردهای مرتبط با اقتصاد دفاعی کشورها و بودجه‌های



نظامی آنها رابطه تنگاتنگی با رشد اقتصادی آنها و تولید ناخالص ملی این کشورها داشته است. با مشاهده نمودار شماره یک که مرتبط با بررسی بودجه‌های نظامی کشورهای موجود در مناطق مختلفی از جهان می‌باشد (آفریقا، خاورمیانه، اروپا، آمریکا و آسیا با تأکید بر چین و ژاپن و جنوب شرق آسیا) به خوبی درمی‌یابیم که، توسعه هزینه‌کردهای نظامی و رشد قابلیت‌های اقتصاد دفاعی این کشورها چگونه متأثر از اقتصاد کلان آنها بوده است. برای مثال به خوبی قابل مشاهده است که توسعه بودجه‌های نظامی در آمریکا، شرق آسیا و اروپا که از اقتصاد غیر تک‌محصولی مستحکم و قوی تری بر پایه صنایع سبک و سنگین و عدم وابستگی به منابع خام معدنی، هیدروپلیتیکی و کشاورزی نسبت به آفریقا و خاورمیانه برخوردار می‌باشند، از رشد بیشتری برخوردار بوده است.



Data source: SIPRI 2015

رشد هزینه‌های نظامی پساجنگ سرد (۱۹۸۸-۲۰۱۴) (نمودار شماره ۱)

همچنین در زمینه عوامل مؤثر بر مخارج دفاعی مطالعات زیادی انجام شده است. که در جدول شماره (۳) خلاصه مطالعات تجربی خارجی در زمینه عوامل مؤثر بر مخارج دفاعی ارائه شده است:



جدول شماره (۳) خلاصه مطالعات خارجی در کشورهای مختلف جهان

نویسنده(سال)	روش + نمونه	نتیجه
سندلر و موردوچ (۲۰۰۰)	سری زمانی + ناتو	رشد اقتصادی و درآمد سرانه اصلی‌ترین تعیین‌کننده‌های مخارج دفاعی بوده است.
تروسبی و ویدرز (۲۰۰۱)	<i>OLS</i> + استرالیا	درآمد فردی، جمعی و منافع فردی و اجتماعی اصلی‌ترین توضیح‌دهنده مخارج دفاعی بوده است.
پرز-فورنیه و همکاران (۲۰۰۴)	<i>SUR</i> + ناتو	درآمد اصلی‌ترین توضیح‌دهنده مخارج دفاعی بوده است.
آلونسو و مارتینز (۲۰۰۷)	پانل دیتا + ناتو	<i>GDP</i> سرانه، تورم، مخارج عمومی، جمعیت، سیستم سیاسی و مخارج مربوط به انرژی هسته‌ای، اصلی‌ترین توضیح‌دهنده‌های مخارج دفاعی بوده است.
نیکولایدو (۲۰۰۶)	<i>ARDL</i> + انگلیس، یونان، پرتغال، فرانسه و اسپانیا	عوامل مؤثر بر تقاضای مخارج دفاعی در کشورهای مورد مطالعه متفاوت هستند و تابع اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی هر کشور است.
عبدالفتاح و همکاران (۲۰۱۳)	<i>ARDL</i> + مصر	تجارت خارجی و <i>GDP</i> اثر منفی بر مخارج دفاعی در مصر داشته است اما وقفه مخارج دفاعی اثر مثبتی بر مخارج دفاعی داشته است.
جورج و سندلر (۲۰۱۷)	فضایی + ناتو	اثرات فضایی در کشورهای عضو ناتو و نزدیکی به کانون‌های تهدید مانند روسیه، اثر مثبتی بر تقاضا برای مخارج دفاعی را داشته است.
دودزویچیوت و سیملیوت (۲۰۲۲)	<i>ARDL</i> + ترکیه و یونان	در هر دو کشور تورم و تعداد کارکنان نظامی تأثیر مثبتی بر مخارج دفاعی داشته است. همچنین مخارج دفاعی در کوتاه مدت کمتر تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار می‌گیرد تا در بلندمدت
کریستی و همکاران (۲۰۲۲)	پانل دیتا + هند و ۱۲ کشور منتخب	یافته‌ها نشان داده است که <i>GDP</i> اصلی‌ترین توضیح‌دهنده مخارج دفاعی است.
سولار (۲۰۲۲)	پانل فضایی + کشورهای منتخب	<i>GDP</i> تأثیر مثبتی بر مخارج دفاعی دارد و تقویت شده است.

(خداپناه، کریمی و ابراهیمی، ۲۰۲۲: ۷۹-۵۴)



## لایه گفتمان‌های حاکم

گفتمان کد استراتژیک و سناریوهای آینده‌پژوهانه

مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری قدرت نظامی کشورها عبارتند از: نیروی انسانی، بودجه دفاعی، آموزش و سازمان‌دهی، ظرفیت نوآوری، صنایع نظامی، زیرساخت نظامی، تهدیدها و استراتژی‌ها، ذخایر و پشتیبانی رزمی (جعفری‌نیا، اخباری و مرادی، ۱۳۹۸: ۸۹) اما آیا در تعریف کد استراتژیک نظامی برای کشورها تنها این عوامل دخیل هستند. تعریف کد استراتژیک نظامی برای بازیگری دولت‌ها در هندسه نظم جدید جهانی که مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی به دلیل اهمیت حیاتی و ماهیت آینده‌نگرانه مرتبط با ساختار نظم جدید جهانی است، از اهمیت اساسی برخوردار است. این کد روشی است که در آن، یک کشور می‌تواند جایگاه خود را در ساختار نظم جدید جهانی تعریف و جهت‌گیری خود را مشخص کند. پنج سؤال اصلی وجود دارد که کد استراتژیک یک کشور را تعریف می‌کند (فلینت، ۲۰۰۶: ۵۲) آن‌ها هستند:

۱. متحدان فعلی و بالقوه ما و دشمنان فعلی و بالقوه ما در ساختار نظم جدید جهانی مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی کدامند؟
۲. سناریوهای نظامی در نظم جدید جهانی مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی در چه طیف و تنوعی قرار دارند؟
۳. چگونه می‌توانیم با تهدیدات نوظهور سخت و نرم نظامی در جهان آینده مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی مقابله کنیم؟
۴. سطح بازیگری تعریف شده برای کشور در نظم جدید جهانی مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی چگونه تعریف شده است (ملی، منطقه‌ای، یا بین‌المللی)؟

پاسخ به این سؤالات نیازمند شناسایی و تعریف سناریوهای آینده‌پژوهانه مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی در ۲ حوزه محتمل آینده نظامی جهان است. آیا نظم جدید جهانی مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی در حوزه نظامی شاهد تکامل نظامی یا انقلاب کامل نظامی خواهد بود؟

در سال ۲۰۲۱ تحقیقات آینده‌پژوهانه گسترده و بزرگی توسط آژانس امنیت دفاعی اروپا در جلسات متعددی از نمایندگان سازمان‌های مختلف بین‌المللی، وزارتخانه‌های دفاع کشورهای دوست و هم‌پیمان با سیاست‌های غرب، نهادهای غیردولتی، دانشگاه‌ها، صنعت و جامعه انجام شد





تا سناریوهای محتمل آینده نظامی مبتنی بر قدرت اقتصادی و اقتصاد دفاعی دنیا در ۲۰ سال آینده شناسایی شود. این تحقیقات با کمک گروه‌های چند رشته‌ای از متخصصان آینده‌نگاری انجام شد و رویدادهای محتمل نظامی تا سال ۲۰۴۰ و همچنین چالش‌های امنیتی و نظامی پیش‌روی کشورها بررسی گردید. پس از نتایج آینده‌پژوهانه در حوزه تحول اقتصادی و اقتصاد دفاعی به دست آمده، در مرحله‌ای دیگر کارشناسان وارد فرآیند پیچیده تفکر و بحث (تفکر واگرا، تفکر همگرا) شده و در پایان سناریوهای محتمل ۲۰ سال آینده جهان که نقش تعیین‌کننده‌ای در بازیگری دولت‌های پیشرو در نظم جدید جهانی مبتنی تحول اقتصادی و اقتصاد دفاعی خواهد داشت بررسی گردید. محقق پس از مطالعات و بررسی اسناد گسترده آژانس امنیت دفاعی اروپا، سناریوهای جدید نظامی بر تحول اقتصادی و اقتصاد دفاعی کشورها تا سال ۲۰۴۰ را استخراج و به شرح جدول شماره ۴ ارائه می‌نماید:

جدول شماره (۴) سناریوهای تأثیرگذار بر تحول اقتصادی و اقتصاد دفاعی کشورها تا سال ۲۰۴۰

تأثیرگذاری سناریوهای جدید نظامی بر تحول اقتصادی و اقتصاد دفاعی کشورها تا سال ۲۰۴۰		
ردیف	سناریوهای نظامی	شرح سناریو (دارای روند تکاملی از ۲۰۲۱ تا ۲۰۴۰).
۱	میدان‌های نبرد مبتنی بر نرم‌افزار	سناریویی که در آن نرم‌افزار و الگوریتم‌ها در نتیجه تحولات گسترده و توسعه هوش مصنوعی، شبکه‌های ارتباطی سریع‌تر و راه‌حل‌های دفاعی سامانه‌ای، موفقیت‌آموزیت‌های نظامی را بهتر از روش‌های متعارف و رایج نظامی پیش‌بینی می‌کنند و بر رشد و توسعه صنعتی، اقتصادی و دفاعی کشورها به شدت تأثیرگذار خواهند بود.
۲	فضا به‌عنوان حوزه عملیاتی نظامی	تا سال ۲۰۴۰، همه قدرت‌های جهانی بر اساس تحولات گسترده در اقتصاد جهانی و توسعه اقتصادی خود، نیروی فضایی کاملاً مستقر در فضا خواهند داشت که در نتیجه آن فرصت‌ها، تهدیدها و همچنین چالش‌هایی متعدد اقتصادی و دفاعی را به وجود خواهد آمد. این سناریو مستلزم ایجاد مفهوم جدیدی از چارچوب‌های نظارتی و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی و دفاعی خواهد بود.



۳	واقعیات توسعه یافته و افزوده در همه‌جا، همچنین در دفاع	ترکیب دستگاه‌ها و حسگرهای مبتنی بر رابط‌های انسانی (مغز)- رایانه با واقعیت‌های افزوده مجازی در میدان‌های نبرد، منجر به روباتیک‌سازی گسترده و فراگیر فضای نبرد و افزایش قابلیت‌های اطلاعات محوری (اطلاعات درست و نادرست در فضای نبرد) خواهد شد.
۴	توسعه پایگاه‌های نظامی بدون سرنشین	در سال ۲۰۴۰، افزایش توان اقتصادی قدرت‌های اقتصادی موجب دستاوردهایی در حوزه دفاعی در ادغام گسترده سکوها بدون سرنشین، تغییرات عمده در ساختار و سازمان وزارتخانه‌های اقتصاد و دفاع کشورها به‌ویژه در مورد راهبردهای اقتصاد دفاعی، تولیدات و تجهیزات صنعتی- نظامی و پیامدهای نظامی ایجاد خواهد کرد.
۵	توسعه گروه ترکیبی انسانی و ماشینی	تا سال ۲۰۴۰، یکپارچه‌سازی و همکاری بی‌نقصی میان اقدامات و عملکردهای انسانی و ماشینی در فضای صنعتی، اقتصادی و نظامی برای اقتصادهای پیشرو و توسعه یافته به وجود می‌آورد.
۶	توسعه هرچه بیشتر سلاح‌های بیولوژیکی پیچیده	تا سال ۲۰۴۰، تغییرات اقلیمی، مهاجرت جهانی و افزایش کلان‌شهرها منجر به بیماری‌های جدید، فجایع طبیعی و میکروب‌های مقاوم جدید خواهد شد که در اثر سوءاستفاده گسترده از آنتی‌بیوتیک‌ها و سایر داروها ایجاد می‌شوند. خطر زیستی جدید ناشی از استفاده از زیست‌شناسی مصنوعی و فناوری‌های ویرایش ژن پدیدار خواهد شد که ممکن است به‌عنوان یک سلاح زیستی یا تهدید زیستی توسط کشورهای با اقتصاد و صنایع نظامی توسعه یافته علیه کشورهای ضعیف مورد استفاده قرار گیرد.
۸	نقشه‌برداری آتی از محیط‌های پویا	تا سال ۲۰۴۰، سنجش و ناوبری کوانتومی در کشورهایی با اقتصاد توسعه یافته، توسعه بسیاری خواهد یافت که منجر به قابلیت‌های نقشه‌برداری بلادرنگ از هر محیط در حال تغییری می‌شود.
۹	بهره‌برداری از اطلاعات نادرست	تا سال ۲۰۴۰، سوءاستفاده و بهره‌برداری مخرب از اطلاعات دقیق اقتصادی و تحولات آتی اقتصاد جهانی، به‌سلاحی تبدیل خواهد شد که تمام سامانه‌های مالی کشورهای هدف را تحت نظارت شدید قرار داده و در مقیاسی فلج‌کننده، اقتصاد کلان و توسعه دفاعی کشورها را هدف می‌گیرد.



تا سال ۲۰۴۰، جنبه‌های اقلیمی و تنوع زیستی به محرک‌های ژئواستراتژیک و موضوع درگیری‌ها و رویارویی‌ها تبدیل خواهند شد. تأمین انرژی نیز به‌عنوان عامل اصلی تسلط استراتژیک باقی خواهد ماند. علیرغم سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که در سامانه‌های جدید تولید انرژی و ذخیره‌سازی توسط کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی انجام خواهد گرفت، توان اقتصادی جهت دسترسی و بهره‌مندی از انرژی چالشی حیاتی برای اکثر کشورها با اقتصاد قوی و ضعیف خواهد بود.	مشکلات زیست‌محیطی، تأمین انرژی، تغییرات آب و هوایی	۱۰
--	---	----

### استعاره و اسطوره در اقتصاد جهانی

در ساختار نظم جدید جهانی، نبرد گسترده‌ای میان دو قطب اساسی، یکی بر اساس حفظ اسطوره برتری و شکست‌ناپذیری نظام حاکمیتی و اقتصاد لیبرال دموکراسی غرب و دیگری شکل‌گیری قطب‌های معترض اقتصاد جهانی و بازیگران اقتصادی میانجی در مناطقی همچون آسیا و غرب آسیا، اقیانوسیه و آمریکای جنوبی با بازیگری کشورهایی همانند چین، روسیه، ژاپن، برزیل، ترکیه، اندونزی و مالزی و... می‌باشد. این رویکردهای اقتصادی و مالی جهانی نوظهور از طریق تمام تلاش‌های سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و فرهنگی با ماهیتی سخت و پرچالش، در حرکت به سمت ساختار مالی چندقطبی است که در آن همه چیز در راستای منافع مالی و ملی کشورها و توسعه اقتصاد کلان و اقتصاد دفاعی و توسعه ارتش‌های آنان به شمار می‌رود: همانند انرژی، داده‌ها، زیرساخت‌ها، فناوری‌ها و حتی مهاجرت. در بستر این تحولات پرشتاب و پیچیده جهانی و تضعیف روسیه و اروپا در جنگ اوکراین، آمریکا و چین در تلاش برای شکل‌دادن به استعاره نظم جدید مالی و اقتصادی جهانی مبتنی بر قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیک بر بستر نظم جدید اقتصاد آسیایی با محوریت چین و نظم جدید اقتصاد غربی با محوریت آمریکا هستند. از دیگر اسطوره‌های موجود اسطوره ابرقدرتی اقتصادی و هژمونی دلار آمریکا می‌باشد که در صورت شکست این اسطوره و افول آن، دنیا به سمت ساختار اقتصادی تکثرگرا و چندقطبی بر بستر اقتصادهای نوظهور جهانی پیش خواهد رفت. این ساختار توسط بسیاری از قدرت‌ها و مناطق پیگیری می‌شود.



## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پایان با توجه به تحولات پرشتاب و پیچیده جهانی و روند شکل‌گیری نظم جدید جهانی مبتنی بر پایه اساسی قدرت اقتصادی و اقتصادی دفاعی در ارتش‌های جهان که در این نظم، همه چیز از توانایی‌های سخت‌افزاری متعارف و نامتعارف نظامی تا دیپلماسی، فرهنگ، اقتصاد، جغرافیا، انرژی، داده‌ها و اطلاعات، زیرساخت‌ها و پناه‌جویان و مهاجرت و بسیاری از عناصر دیگر نوعی سلاح و با توجه بیشتر نوعی اهرم در آمدی در دست دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود به شمار می‌رود تا بتوانند ساختارهای جهانی مبتنی بر منافع مالی خود را شکل داده و جایگاه بالاتر و ممتازی را برای خود در هندسه نظم جدید اقتصادی و نظامی در حال شکل‌گیری کسب نمایند. اقتصاد جهانی و بودجه‌بندی‌های نظامی دولت‌ها که در راستای شکل دادن به اقتصاد قدرتمند کشوری و دفاعی انجام می‌شود بر مبنای تحولاتی همچون جهانی‌زدایی در برابر جهانی‌شدن اقتصاد، افزایش اهمیت منطقه‌گرایی پولی، تلاش برخی دولت‌ها جهت شکل دادن به نظم‌های نوین منطقه‌ای، تنزل جایگاه ابرقدرتی آمریکا و الگوی لیبرال دموکراسی غرب، توزیع مجدد قدرت مالی جهانی به سمت منطقه اوراسیا، حرکت از جهان تک‌قطبی به چندقطبی با قطب‌بندی مناطق اقماری قطب‌های اصلی (چین و آمریکا)، شکل‌گیری مسابقات جدید تسلیحاتی میان بلوک‌های اصلی و اقماری، پر شدن خلاء دیپلماتیک با عملیات‌های مرگبار نظامی و شکل‌گیری بحران هزینه‌زدگی جهانی و توسعه نقش کشورهای با بنیه اقتصادی قوی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد و توجه دولت‌ها به عناصر جامع پیدا و پنهان قدرت که در آن، همه مقدرات و توانایی‌های نظامی در اختیار دولت‌ها و حتی امکان بهره‌برداری از مناقشات و رویدادهای بین‌المللی در راستای ارتقاء توان مالی و اقتصادی آنها و در نتیجه توسعه نفوذشان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بکار می‌رود و ارتباط تنگاتنگی را میان قدرت اقتصادی و قدرت نظامی و اقتصاد دفاعی کشورهای مختلف به وجود آورده است.

پس از بررسی جامع و مطالعات علمی محقق بر خیل منابع گسترده موجود در حوزه اقتصاد کلان و اقتصادی دفاعی کشورهای مختلف، نتایج مهم ذیل توسط محقق استخراج گردیده است:

۱. ارتباط کاملاً مستقیم و تنگاتنگی میان رشد و توسعه اقتصادی کشورها و تحولات اقتصادی شکل گرفته در چند دهه اخیر و میزان هزینه‌کردهای نظامی آنها وجود دارد.
۲. اقتصاد کلان کشورها و هزینه‌کردهای نظامی و دفاعی آنها دارای کنش و برهم کنش مستقیم



- بر یکدیگر در ابعاد مثبت و منفی می‌باشند و این امر در سه حوزه کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته بررسی می‌گردد.
۳. در کشورهای توسعه یافته هر اندازه اقتصاد کلان کشورها رشد نماید، منجر به افزایش بودجه‌های نظامی و توسعه اقتصاد دفاعی آنها می‌شود و در نتیجه منجر به شکل‌گیری حلقه سازنده‌ای در حوزه اقتصاد و دفاع می‌گردد که با افزایش توان اقتصادی کشور و تولید ناخالص ملی آن، میزان بودجه‌های نظامی نیز افزایش یافته و منجر به رشد و شکل‌گیری ارتش‌های حمایتی قدرتمندی می‌شود که این ارتش‌ها در مسیری بازگشتی نقشی حمایتی از منافع اقتصادی کشور را ایفا می‌کنند و از منافع اقتصادی دولت‌ها با قدرت حمایت می‌کنند. به عبارتی افزایش بودجه‌های نظامی در کشورهای توسعه یافته منجر به افزایش توان اقتصادی آنها در کوتاه مدت و بلند مدت و بازیگری مؤثر آنها در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود.
۴. در کشورهای در حال توسعه، این امر به صورت بخشی و حوزه‌ای عمل می‌نماید و توسعه توان اقتصادی این کشورها نقش سازنده‌ای در توسعه توان دفاعی آنها دارد، اما به دلیل نیازمندی گسترده این کشورها جهت سرمایه‌گذاری و اختصاص درآمدهای آنها در سایر زیرساخت‌های حساس و حیاتی همانند حمل‌ونقل، صنعت و کشاورزی، افزایش بودجه‌های نظامی منجر به کسری بودجه در بسیاری از این بخش‌ها می‌شود. در این کشورها توان حمایتی ارتش‌ها و قابلیت‌های حمایتی اقتصاد آنها تنها در حوزه‌های محلی و منطقه‌ای از اثربخشی قابل قبولی برخوردار بوده و در ابعاد بین‌المللی حرفی برای گفتن ندارند.
۵. در کشورهای توسعه نیافته به دلیل ضعف درآمدهای کلان کشوری و عدم ثبات در توسعه مستمر و سالیانه کشور در حوزه‌های اقتصادی، اختصاص بودجه‌های بیشتر مالی به بخش نظامی، به شدت موجب کسری بودجه مستقیم بر هزینه‌کردهای دولتی شده و نقش مخربی بر قابلیت‌ها و رشد توان اقتصادی کشور دارد. این امر حتی در کوتاه‌مدت نیز آثار مخرب خود را بر سطح رفاه اجتماعی و سطح معیشت جامعه می‌گذارد و موجبات افزایش نارضایتی‌ها و مناقشات داخلی می‌شود، از همین روست که میزان مناقشات داخلی و بی‌ثباتی اجتماعی در کشورهای توسعه نیافته به صورت مستمر تکرار و روند تصاعدی دارد و در نتیجه آن رشد و توسعه اقتصادی میسر نمی‌شود.



## پیشنهادات

با توجه به تحولات و رویدادهای عصر حاضر و نتایج حاصل از تحقیق می‌توان اینگونه استدلال نمود که جهت کسب جایگاه ممتاز در نظم جدید جهانی در حال شکل‌گیری که در آن ابزارهای مرتبط با قدرت جامع نظامی و گسترده‌تری استفاده نظامی متعارف و نامتعارف از کلیه ابزارهای متعارف و نامتعارف نظامی و غیرنظامی در راستای منافع مالی و اقتصادی کشورها بوده و از اهمیت بسیاری در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی کشورها برخوردار است. لذا در راهبردها و رویکردهای ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ایران و سیاست‌های کلان نظامی اتخاذ گردیده می‌بایست بازیگران دشمن، دوست و بی طرف در راستای منافع ملی موازی، متعارض، مشترک و اختلاف‌زای اقتصادی و نظامی، در سه نوع از راهبردهای اقتصادی و نظامی توسعه‌یافته و جامع ستاد کل نیروهای مسلح، مبتنی بر تعریف کد استراتژیک اقتصادی و نظامی کشور در ابعاد محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مبتنی بر تصمیمات برنامه‌ریزی شده اقتصادی و نظامی (با عواقب بلند مدت)، تصمیمات بحرانی (در ادواری که تهدیدات شدید به وجود می‌آید) و تصمیمات تاکتیکی (مشتمل شده از تصمیمات برنامه‌ریزی شده) در تمام حوزه‌های متعارف و نامتعارف اقتصادی و نظامی، قابلیت‌های اقتصادی، دیپلماسی نظامی، رویکردهای فرهنگی، آمایش صحیح انسانی، تسلیحاتی و زیرساختی و بهره‌مندی حداکثری از قابلیت‌های ژئوپلیتیک کشور اتخاذ گردد. در این راستا و با توجه به نتایج کلیدی تحقیق که نشان از اهمیت قدرت اقتصادی در توسعه توانمندی‌های مبتنی بر قدرت نظامی در ساختار نظم جدید جهانی دارد، می‌بایست رشد و توسعه گسترده نظامی کشور هم‌زمان با توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی و هدایت گردد تا از شکل‌گیری چرخه اثرگذاری مخرب هزینه‌های توسعه قدرت نظامی بر کاهش توان اقتصادی و بازگشت آثار مخرب کاهش توانمندی اقتصادی بر توسعه نظامی جلوگیری گردد.

## سپاسگزاری

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزارم.



## فهرست منابع

- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۴۰۱). سخنرانی مورخه ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ در دیدار با جمعی از دانش‌آموزان، دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۴۰۱). سخنرانی مورخه ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ در دیدار با جمعی از دانشجویان، دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۳۹۳). سخنرانی مورخه ۱۳۹۳/۰۶/۱۳ در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
- ابراهیمی‌فر، طاهره، منوری، علی (۱۳۹۳). درآمدی بر بازشناسی مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل: چشم‌اندازها و گونه‌ها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، صص ۲۲-۵.
- بیضایی، سید ابراهیم (۱۳۸۰). رابطه بین مخارج نظامی و برخی متغیرهای اقتصادی در ایران (۱۳۷۶ تا ۱۳۵۱)، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم شماره ۳۷ و ۳۸.
- توحیدی، ارسطو، صنیعی، محمدحسین (۱۳۸۶). مهندسی تولید قدرت نظامی، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۷۹ و ۸۰، اردیبهشت و خرداد.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹). «واقع‌گرایی نئوکلاسیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۵۱، ۲۹۴-۲۷۵.
- جعفری‌نیا، عباس، اخباری، محمد، مرادی، محسن (۱۳۹۸). تحلیل شاخص‌های قدرت نظامی واحدهای سیاسی - جغرافیایی در عرصه نظام بین‌الملل، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی - سال یازدهم، شماره سوم.
- عنایت‌الله، سهیل (۲۰۰۴). روش‌های آینده‌پژوهی، گام‌های تحلیل لایه‌های علت‌ها، مترجم مسعود منزوی، پیام پژوهش، شماره ۱۰۹، ۲۵-۲۲.
- فتاحی اردکانی، حسین، مسعودنیا، حسین و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۷). تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره هجدهم، صص ۱۵۲-۱۳۰.
- کاشمیری، علی (۱۳۹۵). تأثیر مخارج دفاعی بر رشد اقتصادی ایران از سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۳، فصلنامه مدیریت دفاعی، شماره ۲۸.



- Abdelfattah, Y. M., Abu-Qarn, A., & Dunne, P. (2013). The Demand for Military Spending in Egypt. *Defense and Peace Economics* .+
- Alonso, M. A., & Martínez, A. (2007). Los determinantes del gasto militar en los países europeos de la Alianza Atlántica: Un estudio a través de un modelo de datos de panel
- Baldwin. David A(1979), “Power Analysis and World Politics: New Trends versus Old Tendencies,” *World Politics* 31pp. 161-94.
- Chegeni, Hassan (1995), *Strategic Military Planning and Defense Planning*, Tehran: Higher National Defense University.
- Chin-Lung Chang (1999), A Measure of National Power, Department of Political Science, Fo-guang University, article drew heavily from the author’s dissertation project, Issue-specific or Actor-specific? The American Case, 1978-1994 (Ph.D. diss., Michigan State University, 1999), pp. 85-90, 113-67.
- Christie, H., Buts, C., & Bois, C. D. (2022). Demand for Military Expenditures and Security Alignment Choices in the Indo-Pacific. *Journal of Defence and Peace Economics*, 43: 1-22 .
- Encyclopedia.com (2022), Military Power Potential, Applied and social sciences magazines. Available at: <https://www.encyclopedia.com/social-sciences/applied-and-social-sciences-magazines/military-power-potential>.
- Flint, C.(2006). *Interdiction in Geopolitics*: Routledge Publishers: 2006.
- Fucks and Wilhelm, *Formeln zur Macht: Prognosen über Völker, Wirtschaft Potentiale*(Germany: Verlags-Anstalt, 1965).
- Fucks and Wilhelm, *Formeln zur Macht: Prognosen über Völker, Wirtschaft Potentiale*(Germany: Verlags-Anstalt, 1965).
- George, J., & Sandler, T. (2017). Demand for military spending in NATO, 1968–2015: A spatial panel approach. *European Journal of Political Economy*, 189-203.





- German. F. Clifford, "A Tentative Evaluation of World Power," *Journal of Conflict Resolution* 4(1960), pp. 138-44,
- Goldstein, Joshua s, 1999: *International Relations*. New York: Longman.
- Shahid. Ahmed, Saba. *Ismail (2015)*, Economic Growth and Military Expenditure Linkages: A Panel Data Analysis, ISSN 1811-9832/2015/№ 2 (23).available at: <http://iepjournals.com/journals>
- Intriligator, Micheal D. (1990). On the Nature and Scope of Defence Economics. in *Defence Economics: The Political Economy of Defence, Disarmament, and Peace*. Harwood Academic Publishers. Vol.1, No.1.
- J. David Singer and Melvin Small, *The Wages of War, 1816-1965: A Statistical Handbook*(New York: John Wiley, 1972).
- Jacek Kugler and William Domke, "Comparing the Strength of Nations," *Comparative Political Studies* 19(1986), pp. 39-69.
- Kanter, Herscel (1984). *Defense Economics: 1776 to 1983*. Armed Forces and Society. Vol. 10, No.3.
- Kennedy, Gavin (1975). *The Economics of Defence*. Bristol Western Printing Services Ltd.
- Kennedy, Gavin. "defense economics". *Encyclopedia Britannica*, 23 Aug. 2022, <https://www.britannica.com/topic/defense-economics>. Accessed 13 February 2023.
- Khodapanah, Masood and Karimi Kandouleh, Maryam and Ebrahimi, Salah(2022), Investigating factors affecting military spending in selected countries of the Middle East: Examining the hypothesis of military competition, *Journal of Economic Policies and Research*. Vol 1 (issue 3), Autumn 2022, PP: 54-79.
- Norman Z. Alcock and Alan G. Newcombe, "The Perception of National Power," *Journal of Conflict Resolution* 14(1970), pp. 335-43.
- Pérez-Forniés, C., Gadea, M. D., & Pardos, E. (2004). Gasto en defensa y renta en los países de la Alianza Atlántica. *Hacienda Pública Española*, 170 (3): 137-153 .



- Peter Beckman, *World Politics in the Twentieth Century* (Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1984), A. F. K. Organski and Jacek Kugler, *The War Ledger* (Chicago: The University of Chicago Press, 1980).
- Ray S. Cline, *The Power of Nations in the 1990s: A Strategic Assessment* (Lanham, MD: University Press of America, 1994),
- Ross, Andrew L. (1991). *The Political Economy of Defense; Issues and Perspectives*. Greenwood Press.
- Shubik, Martin; and J. Hoult Verkerke (1989). *Open Questions in Defense Economics and Economic Warfare*. *Journal of Conflict Resolution*. Vol.33, No.3.
- Sandler, T., & Murdoch, J. (2000). *On Sharing NATO Defence Burdens in the 1990s and Beyond*. *Fiscal Studies*, 21 (3): 297-327 .
- Solar, C. (2022). *Thinking beyond averages: Quantile regression modelling and military expenditure*. *Journal of Bulletin of Sociological Methodology/Bulletin de Methodologie Sociologique*, 155: 82-105 .
- Throsby, D., & Withers, G. A. (2001). *Individual preferences and the demand for military expenditure*. *Defence and Peace Economics*, 12: 87-102
- Toffler, Alvin (1991), *The Transition of Power* - Translated by Shahidokht Kharazmi Zarghani, Hadi and Mohammad Reza Hafeznia and Zahra Ahmadipour and Abdolreza Eftekhari (2006), *Designing a Model of National Power Measures of States* (Doctoral dissertation) - *Geopolitical Quarterly Journal* No. 2.